

# بحران جدی در صنایع تسلیحاتی آمریکا

خلاصه مقاله

پایان یافتن دوران جنگ سرد اکثریهایی را که موجب می شد دولت و وزارت دفاع آمریکا حمایت بی چون و چرایی را به صنایع تسلیحاتی این کشور ارائه دهند از بین برده است. حجم سفارشات تسلیحاتی روز به روز کاهش می یابد و به همین موازات صنایعی که این تسلیحات را می سازند، تعطیل می شوند و یا ن به ادغام در شرکت های دیگر می دهند و این تازه اول کار است. آینده این صنایع شول آسارا ابله می همه جانبه پوشانده است.

پروژه نیز اکنون سه سال از برنامه پیش بینی شده عقب است. آمریکاییها می دانند که برای موفقیت نباید تجارب ناموفق اروپا را تکرار کنند و معتقدند که باید بسیاری از عوامل را که موجب ناکامی اروپاییها شده است تغییر داد. علیرغم ادغامهای پی در پی در میان شرکتهای صنایع دفاع هوایی آمریکا، این کشور هنوز صاحب ۸ شرکت از ۲۰ شرکتی است که در جنگ جهانی دوم شکل گرفتند، اما کارشناسان نظامی آمریکا معتقدند فشارهای آینده بازار باعث خواهد شد که از این ۸ شرکت تعداد بسیار کمی بتوانند دوام آورند.

موفقیت نیز به ناکامی تبدیل شد و انگلستان امروز تنها به داشتن یک شرکت هواپیماسازی بنام شرکت هوا فضای بریتانیا بسنده کرده است. فرانسه و آلمان نیز چنین وضعی دارند و اولی صاحب شرکت داسو و دومی صاحب شرکت هوا فضای آلمان است. در میان این سه شرکت اروپایی تنها شرکت داسوی فرانسوی است که توانائی مالی ارائه مدل های هواپیمای نظامی جدید را دارد که آنهم به برکت سوسپیدهای دولت و مالیاتهایی که از مردم دریافت می شود میسر شده است. از اوائل سالهای ۱۹۷۰ هرگاه کشورهای اروپایی در صدد برآمده اند تغییری در سیستم های دفاع

در سال ۱۹۹۷ سه میلیون نفر از کارکنان صنایع نظامی آمریکا از کار بیکار شوند و سطح هزینه های دفاعی آمریکا به سطح کشورهای اروپایی در طول سالهای گذشته تنزل کند. چنین شرایطی پیمانکاران صنایع دفاع آمریکا را تحت همان فشاری قرار می دهد که امروز

یک سروان صنایع نظامی آمریکا اخیراً با حیرت گفته است: برنده جنگ سرد چه کسی بوده است؟ غرب که خود را فاتح جنگ سرد می دانست و سرمست از این پیروزی بود، خیلی زود روی دیگر سکه را هم دید!

بروز بیکاری در میان کارکنان صنایع نظامی و دفاعی نشئه پیروزی در جنگ را از سر غریبان پراند، چرا که در هر ۳۰ ثانیه از ساعات کار، یک کارگر شغل خود را از دست می داد.

سروان نورمن آگوستین، رئیس شرکت صنایع دفاعی مارتین مارتینا که یک شرکت سازنده جنگنده برای نیروی هوایی آمریکا است بدنبال نا کامیهای شرکت روز ۳۰ اوت اعلام کرد که شرکتش با غول صنعتی آمریکا «لاکهد» ادغام شده است. او گفت: در حال حاضر سهام شرکت که تا قبل از پایان جنگ سرد وضعیتی درخشان داشت و تا پایان جنگ خلیج فارس نیز این وضعیت حفظ شد، شدت لطمه دیده است و فاصله ای تا سقوط کامل ندارد.

در طول جنگ سرد و به ویژه در دوران حکومت رونالد ریگان صنایع دفاعی آمریکا بصورتی خارق العاده فریه شد. سرمایه گذارهای عظیم در صنایع نظامی که از سال های ۱۹۶۰ آغاز شده بود پس از سال ۱۹۸۶ تا میزان ۵۰ درصد کاهش یافت. این کاهش که در سال ۱۹۹۳ به ۱۵۰ میلیارد دلار رسیده بود امروز به ۸۰ میلیارد دلار سقوط کرده است. کل هزینه های دفاعی آمریکا از ۶/۵ درصد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۶ به ۳/۲ درصد در سال ۱۹۹۷ خواهد رسید که پائین ترین میزان از سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ یعنی سالهای پس از جنگ جهانی اول است.

به این ترتیب پیش بینی می شود که

دفاع وهم  
وزارت دفاع  
آمریکا  
امیدوار  
بودند در  
شرایطی  
آرام به  
فعالیت های  
خود ادامه  
دهند ولی  
ادغام چند  
شرکت بزرگ  
و خرید و  
فروش سهام  
این شرکتها  
امید آنها را  
تبدیل به  
یاس کرد چرا  
که بدنبال  
این ادغامها  
بساتکهای  
سرمایه گذار  
و سهامداران



صحنه ای از بمباران بغداد... آخرین روزهای خوش صنایع تسلیحاتی آمریکا

صنایع تسلیحاتی اروپا با آن دست به گریبانند. تابلویی که تصویرگر وضع وخیم اروپا پس از جنگ بین المللی دوم است امروز در مقابل صنایع نظامی آمریکا قرار دارد.

مستقل هواپیماسازی خود را سرسوامان دهد و تا سالهای ۱۹۶۰ از امتیازات برجسته ای در صنایع هوایی برخوردار باشد، ولی رقابت فشرده آمریکا این کشور را از قله به زیر کشید بطوریکه در آن سالها انگلستان توانست تنها دو شرکت هواپیماسازی و یک شرکت هلی کوپترسازی خود را از صحنه این رقابت با موفقیت خارج سازد و بقیه را از دست داد. اما در سالهای ۱۹۸۰ این

هوایی و موشکی خود بدهند به دلیل ناتوانی مالی مجبور شده اند طرحهای خود را مسکوت گذارند و تنها در چند مورد که ارزش چندانی نداشته توانسته اند طرحهایی نه چندان چشمگیر را به اجرا در آورند. یک کنسرسیوم اروپایی متشکل از شرکتهای انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و اسپانیایی در سالهای پیش کوشش کرد که یک جنگنده بنام «جنگنده اروپایی» را تولید کند که همین

خصوصی در شرکتهای ادغام شده صاحب حق ورای شده بودند و ادعای نظارت بر میلیارد ها دلار را که منابع مالی جدید ناشی از ادغام را تشکیل می دادند داشتند. بدنبال این ادغامها کارشناسان صنایع دفاع هوایی شرکتهای موجود را به دو دسته تقسیم کردند: شرکتهایی که قدرت مانور مالی تا میزان ۸ میلیارد دلار را دارند و شرکتهایی که فروششان زیر ۴ میلیارد دلار است. این کارشناسان

# سه میلیون نفر نیروی کار صنایع نظامی آمریکا بیکار می شوند

می گویند گروه اول از زیر فشار سالهای آتی جان سالم بدر خواهند برد و گروه دوم یا باید تن به رها کردن شرکتهای خود دهند و یا برای بقا دست به ادغام شرکتهایشان در یکدیگر بزنند. کارشناسان شرکتهای ادغام شده لاکهید-

مارتین مارتیا، بوئینگ- یونایتد تکنولوژی و نورتروپ-گرومن را از جمله شرکتهایی می دانند که از صحنه این رقابت و کارزار فشرده جان سالم بدر خواهند برد.

با پایان جنگ سرد پیمانکاران و صنایع دفاعی آمریکا به قربانیان موفقیتهای خود تبدیل شدند زیرا

وزارت دفاع از سال ۱۹۸۶ بطور ناگهانی ۵۰ درصد از خریدهای خود را از شرکتهای صنایع دفاعی کاست که نتیجه آن کاهش سریع نقدینگی شرکتهای بزرگی نظیر لاکهید، مارتین مارتیا، راکول، ریتون، نورتروپ گرومن، لورال و جنرال دینامیک بود. بدنبال این تصمیم وزارت دفاع، اشتغال در شرکتهای صنایع دفاعی ۳۰ درصد کاهش یافت و تعداد بی کاران در این شرکتها به نهصد هزار نفر بالغ شد و البته اخراج کارگران هنوز هم ادامه دارد. تحلیلگران آمریکایی معتقدند که تا پایان دهه ۹۰ بیش از هشتاد شرکت از صد شرکت بزرگ دست اندرکار صنایع دفاعی مجبور به خروج از صحنه رقابت خواهند شد.

## چند سؤال سرنوشت ساز

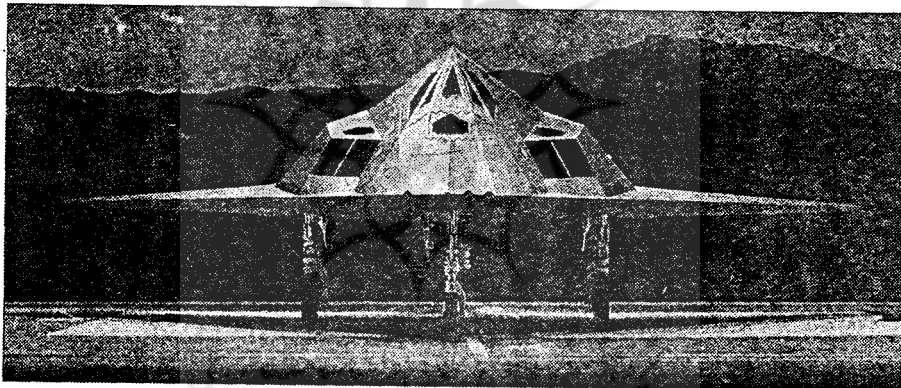
در آن زمان آمریکا تنها دارای دو شرکت سازنده هواپیماهای نظامی خواهد بود که احتمالاً عبارت خواهند بود از مک دانل داگلاس و لاکهید مارتین. آینده شرکت نورتروپ گرومن به این بستگی دارد که وزارت دفاع اجازه پیدا کند بیش از ۲۰ فروند از بمب افکنهای فوق مدرن ب-۲ استیلت از این شرکت خریداری کند. شرکتهای سازنده موشک نیز تا پایان قرن به دو شرکت (احتمالاً هیوز و ریتون) محدود خواهند شد و شرکتهای تولیدکننده ماهواره های نظامی نیز به دو یا سه شرکت کاهش خواهد یافت. در این مورد هم از شرکتهای هیوز و لاکهید مارتین به عنوان برندگان نهایی نام برده می شود. در این آشفته بازار رقابت، شرکتهایی امکان ادامه کار خواهند یافت که تولیداتشان متنوع باشد و تنها به تولید یک کالا اکتفا نکنند.

تغییراتی اساسی ایجاد کنند. آنها به همین دلایل مجبورند روابط خود با شرکتهای اروپایی و روسها نیز تجدید نظر کنند و از هم اکنون روشن است که نیاز به فشرده تر کردن رقابت با سایر کشورها اجتناب ناپذیر می باشد.

شرط دیگر ادامه بقای شرکتهایی که دست اندر کار صنایع هوایی هستند کوچک کردن تشکیلات و تأسیسات آنهاست زیرا که بزرگترین مشکلات این شرکتها در وسعت دامنه تشکیلات و تأسیسات آنها نهفته است. چنانچه آمریکائیها بخواهند تمام توجه خود را به شرکتهای صنایع دفاع خود متوجه کنند- که بدیهی است بعلت پیشرفته بودن تکنولوژی، آنها چنین خواهند کرد. در مقابل چند سؤال قرار خواهند گرفت:

صنایع دفاع آمریکا تا کجا باید پیش بروند؟ دولت آمریکا در مشارکت در این پیشرفته چه نقشی را برای خود پیش بینی می کند؟ و بالاخره ساختار صنعتی کشور در

هواپیما، هر ۲۰ دقیقه یک تانک و هر چهار روز یک ناو کوچک جنگی تولید می کرد که بعلت فوریت استفاده از آنها چندان به کیفیت این سلاحها توجه نمی شد ولی امروز مسئله کمیت در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و انقلاب تسلیحاتی بیشتر کیفیت سلاحها را مورد توجه قرار می دهد. سالها پس از جنگ دوم جهانی دیگر تانکها و فایقهایی توپدار نیستند که دشمن را به زانو در می آورند بلکه تکنولوژی دیزیتال و هواپیماهای بسیار پیشرفته و زیردریاییهای موشک انداز هستند که به نحوی مؤثرتر در جبهه ها عمل می کنند. یک بررسی اخیر وزارت دفاع آمریکا نشان می دهد که دو جنگنده بمب افکن استیلت با ۴ سرنشین می تواند قدرت آتش برابر ۷۵ جنگنده معمولی با ۱۳۲ سرنشین داشته باشد. این جنگنده قادر است مسافت ده هزار کیلومتر را بدون سوختگیری پیماید و ۲۰ بمب یک تنی پیشرفته را که قیمت هر یک از آنها ۴۰ هزار دلار است بر مواضع دشمن فرو ریزد. یک زیر دریایی موشک انداز می تواند از فاصله ۲۰۰ کیلومتری موشکهای هدایت شونده خود را با دقت فراوان به هدف مورد نظر برساند. همین جنگنده های استیلت و زیردریاییهای موشک انداز سکوهای



یک جنگنده بمب افکن فوق پیشرفته استیلت

زمینه صنایع دفاعی چه باید باشد؟ آیا ایجاد یک انقلاب و دگرگونی عمده در این زمینه پاسخگوی نیازهای تسلیحاتی در سالهای آینده خواهد بود؟ در اوج جنگ جهانی دوم صنایع

شرکت هیوز از هم اکنون چنین سیاستی را در پیش گرفته و با ۳۵ درصد از ظرفیت خود به تولید موشک دست زده و چنانچه موفق شود سهام شرکت جنرال دینامیک را خریداری کند این ظرفیت را تا ۸۵ درصد افزایش خواهد داد که با کاهش هزینه تا میزان ۳۳ درصد همراه خواهد بود. مارتین مارتیا نیز با آغاز تولید موشکها و سفینه های فضایی و سکوهای پرتاب چنین سیاستی را در پیش گرفته است. ساخت موشکهای اطلس با برد متوسط اکنون یکی از تولیدات این شرکت را تشکیل می دهد.

نتایج این فعل و انفعالات هر چه باشد، بعلت شرایط بعد از جنگ سرد شرکتهای صنایع هوایی- فضایی ناچارند در روابط خود با وزارت دفاع آمریکا

پرتاب موشکهای اسکاد عراق را منهدم کردند.

ماخذ: اکونومیست- سپتامبر ۱۹۹۲

برگردان از: سرویس ترجمه گزارش،



## تالار پذیرایی جلال محمد

با مدیریت علی یحیائی

در خدمت میهمانان گرامی

تهران: خیابان سعدی شمالی- مقابل بیمه ایران

تلفن رزرو: ۳۱۱۹۵۳۹